# فهرست مطالب:

[خطبه اول 1](#_Toc429420758)

[زندگی حضرت ابراهیم 2](#_Toc429420759)

[زادگاه و طفولیت ابراهیم (ع) 2](#_Toc429420760)

[نبوت ابراهیم (ع) و مبارزه با بت‌پرستان 2](#_Toc429420761)

[مبارزه عملی با بت‌پرستان 3](#_Toc429420762)

[هجرت ابراهیم (ع) 3](#_Toc429420763)

[آخرین مرحله رسالت ابراهیم (ع) 4](#_Toc429420764)

[مقام والای ابراهیم در قرآن 5](#_Toc429420765)

[خطبه دوم 7](#_Toc429420766)

[فرارسیدن سال نو و بهار طبیعت 7](#_Toc429420767)

[بهار، یادآور رستاخیز 7](#_Toc429420768)

[نوروز از دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام 8](#_Toc429420769)

[نکات قابل‌توجه در عید نوروز 8](#_Toc429420770)

[جایگاه خانواده 9](#_Toc429420771)

[خانواده؛ سرچشمه پیشرفت جامعه 9](#_Toc429420772)

[نقش و اهمیت خانواده 9](#_Toc429420773)

[دعا 10](#_Toc429420774)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه و ملازمة امره و مجانبة نهیه و تجهّزوا وقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فانّ الخیر الزاد التقوی.**

# زندگی حضرت ابراهیم

زندگی ابراهیم را می‌توان در سه دوره مشخص مطرح کرد:

1. دوران قبل از نبوت؛ 2. دوران نبوت و مبارزه با بت‌پرستان بابل؛ 3. دوران هجرت از بابل و تلاش و کوشش در سرزمین مصر و فلسطین و مکه.

# زادگاه و طفولیت ابراهیم (ع)

ابراهیم زمانی چشم به جهان گشود که پادشاه ستمگر، نمرود بن کنعان، بر منطقه بابل حکومت می‌کرد، او خود را خدای بزرگ بابل معرفی می‌نمود، البته مردم بابل تنها این‌یک بت را نداشتند، بلکه درعین‌حال بت‌هایی با شکل‌های گوناگون و از مواد مختلف ساخته‌وپرداخته بودند، و به نیایش و کرنش در مقابل آن‌ها مشغول بودند.

ابراهیم در سرزمین بابل که از سرزمین‌های شگفت‌انگیز جهان بود، تولد یافت. پیش از تولّد ابراهیم، به نمرود، گفته شد که امسال در مملکت کودکی متولّد می‌شود که وسیله نابودی و فنای حکومت او خواهد بود. از آن‌وقت دستور داد هر کودکی را که متولّد می‌شود، بکشند وزن‌ها را از شوهرها جدا کنند وزنان را زیر نظر بگیرند و هرکدام را که باردار هستند، تا موقع که فارغ شوند حبس کنند، طفلش را اگر پسر است تسلیم تیغ جلادان کنند. در این زمان مادر ابراهیم هم باردار شد. کم‌کم روزهای تولّد نزدیک می‌شود. مادر سر به بیابان گذاشت! غاری پیدا کرد که دور از چشم جاسوسان مزدور و بی‌عاطفه بود. در آنجا طفل دیده بر روی جهان گشود. مادر، طفل را در پارچه‌ای پیچید و در گوشه غار گذاشت و در غار را با سنگی مسدود کرد و به‌سوی شهر آمد! کودک با لطف الهی انگشتان خود را می‌مکید و تغذیه می‌کرد. رشد کودک، شگفت‌انگیز است. در یک هفته به‌اندازه یک ماه کودکان دیگر رشد می‌کند. مادر، گاه‌گاهی از فرصت استفاده می‌کرد و به دیدار کودک خود می‌آمد. سرانجام به حد کافی رشد کرد و از گوشه غار بیرون آمد و در فضای پهناور به گردش و تفکر پرداخت.

# نبوت ابراهیم (ع) و مبارزه با بت‌پرستان

این‌که ابراهیم (ع) در چندسالگی به پیامبری رسید، دقیقاً روشن نیست، امّا به‌احتمال‌زیاد هنگامی‌که با عمویش آذر به بحث پرداخت به مقام نبوت رسیده بود؛ زیرا در سوره مریم می‌خوانیم: در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راست‌گو، و پیامبر (خدا) بود! هنگامی‌که به پدرش (عمویش) گفت: ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود، و نه می‌بیند، و نه هیچ مشکلی را از تو حل می‌کند.

در این هنگام مردم بابل علاوه بر بت‌های ساختگی دست خود، موجودات آسمانی؛ مانند خورشید و ماه و ستارگان را پرستش می‌کردند. ابراهیم تصمیم گرفت: از طریق منطق و استدلال‌های روشن، وجدان خفته آن‌ها را بیدار سازد و پرده‌های تاریک جهلشان را از روی فطرت پاک آن‌ها کنار نهد، تا نور فطرت بدرخشد، و درراه توحید و یگانه‌پرستی گام بگذارند.

او مدّت‌ها پیرامون آفرینش آسمان و زمین و قدرتی که بر آن‌ها حکومت می‌کند و نظام شگفت‌انگیز آن‌ها مطالعه کرده بود، و نور یقین در قلبش می‌درخشید.

نخست با ستاره‌پرستان روبرو شد، هنگامی‌که تاریکی شب فرارسید، ستاره زهره را مشاهده کرد، گفت: این خدای من است؟، امّا هنگامی‌که غروب کرد، گفت: غروب کنندگان را دوست ندارم!. و هنگامی‌که ماه را دید که سینه افق را می‌شکافد، گفت: این خدای من است؟. امّا هنگامی‌که آن‌هم غروب کرد، گفت: اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود. و هنگامی‌که خورشید را دید که سینه افق را می‌شکافت، گفت: این خدای من است؟ این‌که از همه بزرگ‌تر است! امّا هنگامی‌که غروب کرد، گفت: ای قوم من از شریک‌هایی که شما برای خدا می‌سازید، بیزارم! من روی خود را به‌سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم.

# مبارزه عملی با بت‌پرستان

داستان درگیری ابراهیم با بت‌پرستان، هرروز سخت‌تر، و شدیدتر، می‌شد، تا این‌که به شکستن همه بت‌های بت‌خانه بابل (به‌جز بت بزرگ) با استفاده از یک فرصت کاملاً مناسب، انجامید.

# هجرت ابراهیم (ع)

سرانجام حکومت ستمگر نمرود تصمیم گرفت کار ابراهیم را تمام کند و با مراسم ویژه، او را در برابر دیدگان همه در میان دریای آتشی که برافروخته شده بود، بسوزاند و برای همیشه از او راحت شود. امّا زمانی که آتش به‌فرمان الهی خاموش شد و ابراهیم توانست سالم از آن صحنه بیرون آید، نمرود و اطرافیانش تصمیم گرفتند برای استمرار حکومت خود با تمام نیرو در برابر ابراهیم بایستند و تا او را نابود نکنند از پای ننشینند.

از سوی دیگر ابراهیم بهتر دید که با جمعیت مؤمنان و هوادارانش سرزمین بابل را ترک کند، و برای گستردن دعوت حق به‌سوی شام و فلسطین و مصر روانه شود، و توانست در آن مناطق حقیقت توحید را تبلیغ نماید و مؤمنان فراوانی را به‌سوی پرستش خداوند یگانه بخواند.

# آخرین مرحله رسالت ابراهیم (ع)

ماجرای حسادت ساره، زن نخستین حضرت ابراهیم به اجر کنیزی که او را به همسری اختیار کرده بود و فرزندی به نام اسماعیل از او یافت، سبب شد که این مادر و کودک شیرخوار را به‌فرمان خدا از سرزمین فلسطین به بیابان خشک و تفتیده مکه در لابه‌لای آن کوه‌های زمخت و خشن ببرد. و آن‌ها را در آن سرزمین که حتی یک قطره آب در آن پیدا نمی‌شد، به‌فرمان خدا، و به‌عنوان یک آزمایش بزرگ بگذارد و بازگردد.

پیدایش چشمه زمزم و آمدن قبیله جرحم به آن سرزمین و اجازه خواستن برای زندگی در آن منطقه از هاجر سبب آبادی این زمین شد. ابراهیم ازخداخواسته بود که آن نقطه را شهری آباد و پربرکت سازد، و دل‌های مردم را به فرزندانش که در آن منطقه رو به فزونی بودند، متوجه گرداند.

برخی از راویان حدیث و تاریخ‌نگاران نقل کرده‌اند، هنگامی‌که ابراهیم هاجر و اسماعیل شیرخوار را در مکه گذاشت، و می‌خواست ازآنجا بازگردد، هاجر او را صدا زد که‌، ای ابراهیم چه کسی به تو دستور داد ما را در سرزمینی بگذاری که نه گیاهی در آن وجود دارد، نه حیوان شیر دهنده‌ای، و نه حتی یک قطره آب، آن‌هم بدون زاد و توشه و مونس؟! ابراهیم در یک جمله کوتاه پاسخ گفت: پروردگارم مرا چنین دستور داده است. هنگامی‌که هاجر این جمله را شنید گفت اکنون‌که چنین است، خدا هرگز ما را به حال خود رها نخواهد کرد.

ابراهیم بارها از فلسطین به‌قصد دیدن اسماعیل به مکه آمد، و دریکی از همین سفرها بود که مراسم حج را به‌جای آورد، و به‌فرمان خدا اسماعیل فرزندش را که به‌صورت نوجوان برومند و فوق‌العاده پاک و باایمان بود به قربان گاه برد، و حاضر شد این بهترین میوه شاخسار حیاتش را با دست خود درراه خدا قربانی کند.

هنگامی‌که این مهم‌ترین آزمایش را به عالی‌ترین صورتی از عهده برآمد و تا آخرین مرحله آمادگی خود را در این راه‌نشان داد خدا قربانی‌اش را پذیرفت و اسماعیل را برای او حفظ کرد و گوسفندی جهت قربانی برای او فرستاد.

سرانجام ابراهیم با ادا کردن حق همه این امتحانات، و بیرون آمدن از کوره همه این آزمایش‌ها، به بلندترین مقامی که یک انسان ممکن است به آن برسد، ارتقاء یافت و چنان‌که قرآن می‌گوید: خداوند ابراهیم را به کلماتی آزمود و او همه آن‌ها را به انجام رساند، و به دنبال آن به او فرمود من ترا امام و پیشوا قرار می‌دهم، ابراهیم که از این مژده به وجد آمده بود تقاضا کرد که این مقام را به بعضی از فرزندان من نیز ببخش، دعای او مستجاب شد، ولی به این شرط که این مقام به کسی که ظلم و ستم و انحرافی از او سرزده باشد هرگز نخواهد رسید.

# مقام والای ابراهیم در قرآن

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که خداوند برای ابراهیم، مقام فوق‌العاده والایی قرار داده است، مقامی که برای هیچ‌یک از پیامبران پیشین قائل نشده است.

بزرگی مقام این پیامبر الهی را از تعبیرات زیر به‌خوبی می‌توان دریافت:

1. خداوند از ابراهیم به‌عنوان یک امّت یادکرده، و شخصیت او را به‌منزله یک امت می‌ستاید.

2. مقام خلیل‌الله را به او عطا فرموده است. در برخی از روایات در زیر این آیه می‌خوانیم، این مقام به خاطر آن بود که ابراهیم هرگز چیزی از کسی نخواست و هرگز تقاضاکننده‌ای را محروم نکرد.

3. او از نیکان، صالحان، قانتان، صدیقان، بردباران، و وفا کنندگان به عهد بود.

4. ابراهیم فوق‌العاده مهمان‌نواز بود به‌طوری‌که در بعضی از روایات آمده است؛ او را ابو اضیاف (پدر مهمانان یا صاحب مهمانان) لقب داده بودند.

5. او توکّل بی‌نظیری داشت، تا آنجا که در هیچ کار و هیچ حادثه‌ای نظری جز به خدا نداشت، هرچه می‌خواست، از او می‌طلبید و جز در خانه او را نمی‌کوبید.

6. او شجاعت بی‌نظیری داشت و در برابر سیل خروشان تعصّب‌های بت‌پرستان یک‌تنه ایستاد و کمترین ترس و وحشتی به خود راه نداد، بت‌های آن‌ها را به باد مسخره گرفت و از بتکده آن‌ها تلی ساخت، و در برابر نمرود و دژخیمانش باشهامت بی‌نظیری سخن گفت که هر یک از آن‌ها در آیاتی از قرآن مجید آمده است.

7. ابراهیم منطق فوق‌العاده نیرومندی داشت، در عبارات کوتاه و محکم و مستدل پاسخ‌های دندان‌شکنی به گمراهان می‌داد، و با همان منطق رسایش بینی لجوجان را به خاک می‌مالید. در این رابطه می‌توانید به آیات 63 تا 67 از سوره انبیاء مراجعه کنید.

8. قابل‌توجه این‌که قرآن یکی از افتخارات مسلمان‌ها را این می‌شمارد که آن‌ها بر آئین ابراهیم هستند و او بود که نام مسلمان را بر شما گذارد.

9. مراسم حج باآن‌همه عظمت و شکوهش به‌وسیله ابراهیم، و به‌فرمان خدا پایه‌گذاری شد و به همین جهت نام ابراهیم و خاطره ابراهیم با تمام مراسم حج آمیخته است و انسان در هر جایگاه و هر برنامه‌ای از این مراسم بزرگ به یاد این پیغمبر الهی می‌افتد و پرتو عظمت او را در دل خویش احساس می‌کند، اصولاً انجام مراسم حج بی یاد ابراهیم نامفهوم است.

10. زنده شدن چهار پرنده به دست حضرت ابراهیم: صالح بن سهل از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که خطاب به ابراهیم (ع) فرمود: چهار پرنده بگیر و آن‌ها را نزد خود قطعه‌قطعه کن سپس بر سر هر کوهی جزئی از آن را قرار بده. فرمود: ابراهیم هدهد و جغد و طاووس و کلاغ را گرفت و آن‌ها را سر برید و سرهایشان را جدا کرد سپس بدن‌های آن‌ها را در هاون قرارداد و پرها و گوشت‌ها و استخوان‌های آن‌ها به هم درآمیخت سپس آن‌ها را ده بخش کرد و آن‌ها را بر سر ده کوه قرارداد و آنگاه نزد خود آب و دانه گذاشت، سپس منقارهای آن‌ها را میان انگشتانش گرفت، سپس گفت: به اذن خداوند بیایید، پس برخی از آن‌ها به برخی از آن گوشت‌ها و پرها و استخوان‌ها پرواز کردند و بدن‌ها به همان صورت که قبلاً بودند استوار شد و هر بدنی آمد و به سر و منقار خود ملحق گردید و ابراهیم منقارهای آن‌ها را رها کرد، پس آمدند و از آن آب خوردند و از آن دانه چیدند، سپس گفتند: ای پیامبر خدا ما را زنده کردی خدا تو را زنده کند، ابراهیم گفت: بلکه خدا زنده می‌کند و می‌میراند. همچنین، خداوند ملکوت آسمان‌ها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آن‌ها) را به ابراهیم نشان داد (تا به آن استدلال کند،) و اهل یقین گردد.

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[3]](#footnote-3)» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# فرارسیدن سال نو و بهار طبیعت

# بهار، یادآور رستاخیز

همه‌ساله با فرارسیدن زمستان، فروغ زندگی از سیمای طبیعت رخت برمی‌بندد و افسردگی و پژمردگی جای آن را می‌گیرد و طبیعت به شکل موجودی بی‌جان درمی‌آید. پس از مدتی، با فرارسیدن بهار، روحی دوباره در کالبد طبیعت بی‌جان و افسرده دمیده می‌شود و طبیعت لباس حیات بر تن می‌کند و این‌گونه است که رستاخیز انسان و جهان، با پیدایش بهار به تماشا گذاشته می‌شود.

# نوروز از دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام هر سنتی را که بر پایه آیین‌های شرک‌آمیز و بت‌پرستی و ارزش‌های غیر الهی نباشد و بینش توحیدی را تقویت کند، تأیید می‌کردند. امام صادق علیه‌السلام به مُعَلَّی بن خُنَیْس درباره اهمیت نوروز می‌فرماید:

ای مُعَلّی، نورز، روزی است که خداوند از بندگانش پیمان گرفت که تنها او را بپرستند و شرک نورزند و به پیامبران و امامان و حجت‌هایشان ایمان بیاورند. این روز، روزی است که بادهای بارور کننده بر درختان وزید و گل‌ها و شکوفه‌های زمین آفریده شد. این روز، روزی است که کشتی نوح پس از توفان، بر کوه جودی نشست. این روز، روزی است که جبرئیل بر پیامبر نازل شد. روزی است که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و اله علی علیه‌السلام را بر دوش خود سوار کرد تا همچون ابراهیم علیه‌السلام بت‌های عرب را درهم بکوبد و به زیر افکند. در این روز، علی علیه‌السلام بر اهل نهروان پیروز شد. در این روز، قائم (عج) ما و صاحب امر ما ظهور می‌کند و هیچ نوروزی نمی‌رسد، مگر اینکه ما در آن منتظر فرج هستیم.

# نکات قابل‌توجه در عید نوروز

یکی از وظایف سال این است که هرکسی به حالت و حساب خود رسیدگی کند. این بهانه خوبی است که انسان به پشت سرخود برگردد و غفلت‌هایی را که انجام داده است، کوتاهی‌ها و کارهای ناشایستی که از او سرزده است و همچنین کارهای خوب خود را یک‌بار مشاهده کند. همه باید عادت کنیم که هرسالی که نو می‌شود، به مناسبت اول سال، به گذشته یک‌ساله خود نگاهی بکنیم. هر یک از نقاط مثبت و منفی، به ما پیامی می‌دهند.

عید نوروز، چیز خوبی است. وسیله‌ای است که با آن دل ما شاد می‌شود. انسان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. صله‌رحم و صله احباب می‌کنند. انسان باید با ارحام صله بکند. این ارتباط عید نوروز است که بسیار خوب است. در این ایام نوروز به کمک مستضعفان بشتابید. کسانی که دارند و می‌توانند جمعاً به کسانی که ندارند و مستمندند، کمک کنند. و در اینجا بر صله‌رحم، محاسبه اعمال سال گذشته، مردم‌دوستی، و تحول درونی در ایام نوروز تأکید می‌کنم.

# جایگاه خانواده

خانواده، نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیت آدمی است. آغازی برای صعود به قله‌های انسانیت و پیمودن پله‌های تعالی است و فضایی که در آن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و اسباب رشد و تعالی انسان به وجود می‌آید. خانواده، چتر عطوفت و کانون مهرورزی است. باغستانی است که در آن، باغبان تربیت با سخت‌کوشی و تلاش، فرزندان را از گزند آفات روحی، روانی و محیطی دور می‌سازد و باتربیت و آموزش درست، در باروری استعدادها و استقلال شخصیت تأثیر بسزایی ایفا می‌کند.

# خانواده؛ سرچشمه پیشرفت جامعه

اگر در سرچشمه ترقی و پیشرفت تمدن بیندیشیم و در جست‌وجوی منبع شعاع ارزش‌ها، فضیلت‌ها، کارهای نیک و خاستگاه‌های اخلاق در محافل اجتماعی باشیم، خواهیم دید که همه این‌ها از نظام خانواده‌هایی به‌هم‌پیوسته و سرشار از عاطفه سرچشمه می‌گیرد. پس اگر بنای خانواده در جامعه بر پایه فضیلت و اخلاقی نیکو استوار باشد، روح همکاری، برادری و محبت بر آن جامعه حاکم خواهد شد و آن جامعه با اتحاد و انسجام، اهلیت پذیرش امانت الهی را در زندگی خواهد داشت. اگر خانواده به انحراف، بدی‌ها و پراکندگی گرایش داشته باشد، جامعه به تزلزل و انحطاط خواهد گرایید و اگر زمینه این انحراف‌ها بیشتر شود، جامعه به گمراهی و تباهی کشیده خواهد شد.

بنابراین، خانواده، هویت جامعه و نشانه‌های امت را بر دوش می‌کشد و اگر آن را به یک هرم تشبیه کنیم، پدر در رأس این هرم، مسئول مراقبت و حمایت از همسر خویش است که او نیز پایه دوم خانواده و مسئول تربیت فرزندان و سامان‌دهی امور خانه است.

# نقش و اهمیت خانواده

خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، آسیب‌پذیرترین گروه در برابر آسیب‌های اجتماعی است به‌طوری‌که اکثر مشکلات و آسیب‌ها ابتدا در خانواده‌ها بروز پیدا می‌کند و در صورت عدم پیشگیری و برخورد ناصحیح با آن‌ها، به درون جامعه نیز رسوخ می‌کند.

نقش خانواده به‌عنوان اثرگذارترین نهاد تربیتی در پرورش و تربیت سرمایه‌های انسانی که از بزرگ‌ترین پشتوانه‌های توسعه و تعالی هر کشوری به شمار می‌آید، از چنان اهمیتی برخوردار هست که سلامت و صلابت هر جامعه‌ای مرهون وجود خانواده‌های سالم، عفیف و باتقوا است.

خانواده تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع، از مذهبی و غیرمذهبی پذیرفته‌شده و در جوامع گوناگون دارای نقش، پایگاه و منزلت‌های گوناگون است، بااینکه خانواده هسته‌ای کوچک از اجتماع است، در حیات اجتماعی مردم نقش و تأثیری فراوان دارد. خانواده هسته اول همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است همه نقش‌های مربوط به ایجاد تمدن و انتقال مواریث و رشد و شکوفایی انسانیت به آن مربوط می‌شود و نیز همه سنت‌ها، عقاید و آداب ویژگی‌های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به نسل جدید انتقال می‌یابد.

جامعه متشکل از خانواده‌هاست، مختصات آن از طریق روابط خانوادگی قابل توصیف است. اثر وجودی مفید و یا زیان‌بخش آن، به جامعه هم می‌رسد. ساخت و مشی آن در سکون یا اضطراب جامعه مؤثر است. انگیزه اعضایش در انگیزه‌های اجتماع تأثیر می‌گذارد. چگونگی مشی و سبک زندگی آن در اخلاق جامعه و در صحت یا بیماری آن نقشی مؤثر دارد.

# دعا

خدایا اسلام و مسلمین را قوت و پیروزی عنایت بفرما. خدایا جوامع اسلامی را و ملت بزرگ ما را از همه آسیب‌ها و خطرها و عداوت‌ها و دشمنی‌ها دور بدار. خدایا آفات و آسیب‌های فردی و اجتماعی و خانوادگی و هرگونه آفات معنوی و مادی را از ملت ما و امت ما برطرف بفرما. خدایا سال آینده را برای ملت ما، سالی پر از خوبی و برکت و لطف و عنایت خودت قرار بده مشکلات ما را مرتفع بفرما. خدایا باران رحمت و برکات و عنایت خود را بر ما نازل کردی و شاکر و سپاس گذار تو هستیم بازهم ما را مورد لطف و کرامت خودت قرار بده و...

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین اللهم ارزقنی توفیق الطاعة بعد المعصیة صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. . آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-3)